

تهران و واشنگتن در آستانه تصمیم بزرگ

در هفته گذشته، او از عدم توافق مسکو درباره اوکراین «عصبانی» بود و تهدید کرد که ممکن است تعرفه‌های جدیدی بر فروش نفت روسیه اعمال کند. علاوه‌براین، او هشدار داد اگر ایران توافق نکند، «بمباران خواهد شد». این مواضع تند، به نظر نمی‌رسد بخشی از استراتژی «مرد دیوانه» باشد، بلکه نشان‌دهنده نیاز ترامپ به نمایش قدرت و تأثیرگذاری جهانی است. در این راستا، اقدام ولادیمیر پوتین برای درخواست کشیدن پرت‌های از ترامپ -که به گفته استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در خاورمیانه، به ترامپ تحویل داده شد- نمونه‌ای از تملق استراتژیک است که هدف آن به‌دست‌آوردن امتیاز از ترامپ است. ایران نیز به‌خوبی متوجه این ویژگی ترامپ است و ممکن است از این نیاز او برای نمایش قدرت جهانی به‌نفع خود استفاده کند تا در مذاکرات هسته‌ای امتیازاتی از آمریکا کسب کند.

بنابراین ناپایداری ترامپ باعث شده رهبران جهانی و حتی مشاوران خودش در تلاش باشند با سیاست خارجی غیرقابل پیش‌بینی او کنار بیایند یا از آن بهره‌برداری کنند. به همین دلیل، رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان، پس از تهدیدهای ترامپ تأکید کرد: «مسیر مذاکرات غیرمستقیم همچنان باز است»، در حالی که یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار داد نیروهای آمریکایی مستقر در «حدقل ۱۰ پایگاه اطراف ایران» در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد با سیاست‌های واکنشی ترامپ، تعیین خطوط قرمز او برای رقبا سخت است.

در این راستا، ماجرای نامه‌ای که ترامپ در تاریخ پنجم مارس برای ایران ارسال کرده نیز به طور غیرمستقیم به این موضوع اشاره دارد. ترامپ محتوای نامه را فاش نکرد، اما در سخنرانی خود در دفتر بیضی در ششم مارس به آن اشاره کرده و گفته بود: «من ترجیح می‌دهم توافق صلح داشته باشیم، اما ما می‌توانیم توافقی داشته باشیم همان‌طور که یک پیروزی نظامی باشد». در پی این سخنان، ترامپ به ایران هشدار داد اگر مذاکرات پیش نرود، وضعیت به سمت اقدامات نظامی خواهد رفت. ترامپ از ایران خواسته است تأسیسات هسته‌ای خود را کاملاً برجیند؛ خواسته‌ای که هیچ مقام ایرانی نمی‌تواند آن را بپذیرد. ایران نیز به طور آشکار اعلام کرده است «مذاکرات» برای حل مسائل نیست، بلکه برای تحمیل خواسته‌های غرب است. اگر این ارزیابی ایران صحیح باشد، ممکن است ایالات متحده، اسرائیل و ایران به سمت رویارویی نظامی پیش بروند. در نهایت، نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، از رویکرد ترامپ حمایت کرده است. درحالی‌که برخی از رسانه‌های اسرائیلی شش هفته پیش گمانه‌زنی می‌کردند که نتانیاهو و ترامپ ممکن است درباره حمله به ایران اختلاف نظر پیدا کنند، اما اکنون به نظر می‌رسد نتانیاهو سخنان ترامپ را به عنوان چراغ سبز برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران برداشت کرده است.
باین‌حال، چنین حمله‌ای یا توجه به ناآرامی‌های داخلی اسرائیل، چالش‌های زیادی خواهد داشت.

۳ سناریوی پیش‌روی ایران و آمریکا

با توجه به فضای مبهم کنونی در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، سه سناریوی محتمل پیش‌روی تحلیلگران سیاست خارجی قرار دارد و پرسشی بنیادین همچنان مطرح است که «آینده تعامل تهران و واشنگتن به کدام سو خواهد رفت؟»؛ آیا روند اعمال فشارهای اقتصادی و جنگ روانی بدون آنکه به تقابل مستقیم منجر شود، ادامه خواهد یافت یا اینکه این فضای خاکستری در نهایت به برخوردی نظامی و درگیری مستقیم خواهد انجامید؟ یا شاید روزنه‌ای هرچند محدود، برای بازگشت به مسیر گفت‌وگو و تعامل دیپلماتیک باقی مانده باشد؟ جواب هرچه باشد و در هر صورتی، سال ۱۴۰۴ را باید نقطه‌ای تعیین‌کننده در مسیر پرفرازونشیب روابط ایران و آمریکا قلمداد کرد؛ سالی که ممکن است آینده این مناسبات را برای سال‌ها رقم بزند. در ادامه، روایت هریک از این سناریوها را از زبان سه نفر از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل مرور خواهیم کرد.
چهره‌هایی که هریک نماینده یکی از این مسیرهای محتمل هستند؛ از احتمال احیای دیپلماسی و آغاز مذاکرات مستقیم تا سناریوی «فشار حداکثری بدون شلیک گلوله» و در نهایت خطر واقعی درگیری نظامی. سه روایت از آینده‌ای که هنوز نوشته نشده، اما نشانه‌های آن از هم‌اکنون نمایان است.

سیدجلال ساداتیان: مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا در دسترس‌تر از همیشه است

سیدجلال ساداتیان، دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگوی خود با «شرق» و در ارزیابی تحولات، بر این باور است: «شرایط فعلی، بیش از هر زمان دیگری به سمت بازشدن مسیر گفت‌وگوهای مستقیم میان ایران و ایالات متحده در حرکت است». او با اشاره به سخنان ترامپ مبنی بر تمایل تهران به گفت‌وگوی بی‌واسطه، اعتقاد دارد: «وقتی یک رئیس‌جمهور آمریکا



عکس:عابدین طاهرنکار

این‌طور بی‌برده اعلام می‌کند که ایران خواهان گفت‌وگوی مستقیم است، باید این نشانه‌ها را جدی گرفت». نماینده ادوار مجلس تأکید می‌کند: «در دیپلماسی، مسیر از پیام‌های غیررسمی آغاز شده و به تدریج می‌تواند به میز مذاکره ختم شود. به‌ویژه وقتی هر دو طرف احساس کنند که زمان به ضررشان در حال حرکت است». او می‌افزاید: «از یک سو ایران تحت فشارهای اقتصادی و تحریم‌های سنگین قرار دارد و از سوی دیگر، ترامپ به‌شدت به یک دستاورد دیپلماتیک نیاز دارد، به‌ویژه در آستانه انتخابات».

به باور این تحلیلگر: «اخبار منتشرشده درباره گفت‌وگوهای غیرمستقیم که ممکن است در هفته‌های آتی به مذاکره مستقیم بینجامد، نمی‌تواند بدون رضایت سطوح بالای تصمیم‌گیری در ایران باشد». بنابراین ساداتیان تصریح می‌کند: «وقتی ایران حتی در نامه‌ای از آمادگی برای گفت‌وگو از طریق کشور ثالث خبر می‌دهد، این نشان می‌دهد که در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی، مذاکره نه یک تابو، بلکه گزینه‌ای محتمل است». او در پایان تأکید دارد: «اگر هر دو طرف هوشمندانه عمل کنند، می‌توان از پنجره محدود خردادماه برای تنش‌زدایی استفاده کرد. فرصت برای دیپلماسی هست، اما همیشگی نیست».

جلال میرزایی: آمریکا دنبال فروپاشی اقتصاد ایران با جنگ روانی است، نه با بمباران

جلال میرزایی، نماینده ادوار مجلس و تحلیلگر سیاسی، در گپ‌وگفت خود با «شرق»، روایتی متفاوت از شرایط موجود ارائه می‌دهد. به باور او: «هدف ایالات متحده از تحرکات اخیر در منطقه، نه حمله نظامی، بلکه القای فضای دائمی تهدید برای تشدید فشارهای روانی و اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران است». نماینده ادوار مجلس گفته خود را این‌گونه تشریح می‌کند: «شما اگر دقیق نگاه کنید، همه اقدامات آمریکا، از اعزام ناو هواپیمابر گرفته تا استقرار

بمب‌افکن‌های رادارگریز، پیش از آنکه رنگ‌وبوی اقدام نظامی داشته باشند، ابزارهایی برای یک جنگ روانی حساب‌شده هستند».

از این منظر است که میرزایی تأکید می‌کند: «هدف این جنگ، ایجاد بی‌ثباتی در بازارهای داخلی ایران و تشدید انتظارات تورمی در جامعه است». به گفته او: «وقتی دانما از احتمال جنگ و درگیری صحبت می‌شود، سرمایه‌گذار داخلی نگران می‌شود، مردم برای خرید ارز و طلا صف می‌کشند و در نهایت، اقتصاد خودش را از درون می‌خورد». تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی با اشاره به تجربه‌های پیشین تحریم و تهدید در سال‌های مختلف اذعان دارد: «آمریکا از این‌الگو استفاده کرده تا بدون شلیک یک گلوله، نظام اقتصادی ایران را دچار فرسایش کند». بنابراین به زعم او: «درواقع هدف، فروپاشی اقتصاد از درون است؛ نه به وسیله موشک، بلکه با کمک ترس، بی‌اعتمادی و اضطراب عمومی».

نماینده مجلس دهم این را هم اضافه می‌کند: «ایسن روش جنگی، به‌مراتب کم‌هزینه‌تر از عملیات نظامی است و برای واشنگتن جذابیت بالاتری دارد، به‌ویژه وقتی درگیر سایر بحران‌های جهانی از جمله اوکراین و تایوان است».
باین‌حال، میرزایی هشدار می‌دهد: «ایران نباید در دام این جنگ بی‌صدا بیفتد و باید در مسیر تقویت اعتماد عمومی، ثبات اقتصادی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها حرکت کند؛ چراکه این اقدامات تنها راه مقابله با این مدل جدید از فشار آمریکاست». البته او در نهایت آغاز مذاکرات با واشنگتن را هم مد نظر قرار می‌دهد و بر آن تأکید دارد.

فرشید باقریان: تنش‌ها واقعی‌اند، احتمال درگیری نظامی بالا رفته است

علی‌رغم آنچه گفته شد، فرشید باقریان، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگوی خود با «شرق» از زاویه‌ای متفاوت به تحولات اخیر نگاه می‌کند. او برخلاف برخی تحلیلگران که تنش‌ها را صرفاً ابزاری برای فشار دیپلماتیک می‌دانند، بر این باور است که نشانه‌های واقعی و ملموسی از احتمال وقوع درگیری نظامی میان ایران و آمریکا وجود دارد. باقریان معتقد است مجموعه اقدامات آمریکا، از اعزام دو ناو هواپیمابر به منطقه تا افزایش سطح آماده‌باش در پایگاه‌های اطراف ایران، نشانه‌هایی از ورود به فاز عملیاتی است.

این مفسر اذعان دارد: «اگر بخواهیم صادقانه تحلیل کنیم، این حجم از آرایش نظامی صرفاً برای نمایش یا تهدید روانی نیست. وقتی بمب‌افکن‌های B-2 و جنگنده‌های F-35 به دیه‌کو کارسیا اعزام می‌شوند، به معنای فعال‌شدن گزینه‌های عملیاتی است».

او همچنین به مؤلفه زمان اشاره می‌کند و می‌گوید: «مهلت محدود قطع‌نامه ۲۲۳۱ و فشار داخلی بر ترامپ برای نشان‌دادن قدرت، این احتمال را بیشتر می‌کند که آمریکا یا متحدانش برای یک اقدام محدود اما مؤثر آماده شوند». باقریان در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود، به نزدیکی ایران به ظرفیت هسته‌ای اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد: «وقتی کارشناسان می‌گویند تهران تنها چند هفته تا رسیدن به ظرفیت تولید سلاح هسته‌ای فاصله دارد، برای اسرائیل و بخش تندرو سیاست آمریکا این یک خط قرمز است». او در پایان تأکید می‌کند: «گرچه کسی خواهان جنگ نیست، اما تاریخ بارها نشان داده که سوءتفاهم یا یک حادثه کوچک می‌تواند به جنگی تمام‌عیار منجر شود. ایران باید در عین حفظ آمادگی، مانع از افتادن در تله تحریکات شود».



لوتزین

Elegance is an attitude

LONGINES



SARMAN Co.

شرکت سرمان

HYDROCONQUEST
GMT

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E Roomi Tehran IRAN